

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده پردیس باغ

ملی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته: صنایع دستی
موضوع:

تحولات نوآورانه در نستعلیق نویسی معاصر
(۱۳۰۰ تا ۱۳۸۷ شمسی)

استاد راهنما:
آقای مصطفی اوجی پور

استاد مشاور:
آقای کاوه تیموری

پژوهش و نگارش:
بهروز شریفی زیندشتی

شهریورماه ۱۳۸۷

چکیده

هدف از این نوشتار بررسی تحولات نوآرانه نستعلیق نویسی معاصر (۱۳۰۰ شمسی تا کنون)، در دو حوزه سنتی و گرایش های نوین و جایگاه آن در هنر معاصر می باشد. در حوزه سنتی با مسائل و نکاتی چون؛ نوجویی ها و خلاقیت های نوآرانه در ساختار و شاکله هندسی خط نستعلیق در روند تکامل و زیباتر نمودن آن، پیرو سنت های پیشین، روبرو هستیم و چگونگی برخورد با مواد، ابزار و نوع ارائه آثار در این حوزه همراه با معرفی هنرمندان شاخص آن و ویژگی های آثارشان، پرداخته می شود. در حوزه گرایش های نوین، نوگرایی ها و خوانش جدید خط نستعلیق در نحوه بکارگیری مواد، ابزار و تکنیک های مختلف هنری همراه با ترکیب بندیهای تازه، بدیع و خلاق، همچنین سنت شکنی ها در فرم و ساختار و محتوای آثار نستعلیق نویسی و پیش زمینه های این نوآوری ها، بررسی گردیده است.

واژگان کلیدی: خوشنویسی، نستعلیق، تحولات نوآرانه، دوره معاصر، سقاخانه، نقاشیخط،

انجمن خوشنویسان ایران.

پیشگفتار:

تحقیقات و مطالعات در باب خط و خوشنویسی با توجه به قدمت و پیشینه تاریخی آن و به عنوان یکی از مهمترین هنرهای ایرانی، بسیار کم و ناچیز بوده است. همین اندک هم به طور عمده بر حول و محور مسائلی چون؛ تاریخچه خط و خوشنویسی، تذکره نویسی و شرح واحوال خوشنویسان و تالیف رسالاتی در باب آموزش و تعلیم آداب خط، انجام شده است. و لذا جای خالی بسیاری از پژوهش های علمی و تخصصی دقیق با مباحث نظری همچون؛ مبانی زیبایی شناختی خط، تجزیه و تحلیل آثار، نقد و بررسی شیوه ها و سبکهای متداول در خوشنویسی بویژه نستعلیق نویسی بعنوان نماد فرهنگ ایرانی و تجلی ذوق هنرمندان این مرز و بوم، کاملاً محسوس است. با چنین مقصودی این نوشتار در پی آن است که بتواند پژوهش و کنکاشی هر چند موجز و مختصر در این زمینه داشته باشد.

بنابراین رساله حاضر تلاشی است در بررسی و بیان اجمالی تحولات نوآورانه نستعلیق نویسی معاصر در ایران، که در دو حوزه سنتی و گرایش های نوین مورد مطالعه و تفحص قرار می گیرد. مطالب و محتوای این نوشتار در سه فصل ساخته و پرداخته شده است. فصل اول شامل بیان پیشینه خط نستعلیق، شاخصه ها و ویژگی های زیبایی شناختی آن و نیز سبکهای رایج در این خط، با هدف شناخت واحاطه بر مسائل مورد بررسی در فصل های دوم و سوم، می باشد.

فصل دوم، تحولات نوآورانه درحوزه سنتی و کلاسیک خط نستعلیق به بیان محورهای کلیدی چون؛ عمادالکتاب بعنوان میراث دار و مروج خط نستعلیق، انجمن خوشنویسان ایران؛ تاثیرگذارترین کوشش درخوشنویسی معاصر، تحولات نوآورانه نستعلیق نویسی پس از ظهور انجمن

خوشنویسان ایران، شیوه‌نوشتاری نستعلیق نویسی غلامحسین امیرخانی، و قالب جلی نویسی و قصار نویسی (درشت نویسی) تحت عنوان رویکردی نوین در دوره معاصر، مطالعه خواهد شد.

در فصل سوم تحولات نوآورانه در حوزه گرایشهای نوین نستعلیق نویسی با موضوعاتی چون سیاه مشق؛ پیش زمینه ای برای ظهور مکتب های هنری نوین در دوره معاصر، که مکاتبی چون؛ مکتب سقاخانه و مکتب نقاشیخط را شامل می شود. و پس از بررسی ویژگی های مکاتب مذکور در پایان تحولات نوآورانه نستعلیق نویسی با کاربرد آن در حوزه های گرافیکی و فن آوری های جدید، همچون محصولات رایانه ای، پرداخته شده است.

این نوشتار شامل ۸۹ تصویر مرتبط با مسائل طرح شده درسه فصل مذکور می باشد تا در نهایت بتواند به درک مختصات فنی موضوع کمک شایانی نماید.

در پایان مراتب امتنان، سپاس و قدردانی خود را از همه عزیزان و سروران گرامی که در سرانجام رساندن این نوشتار، نهایت لطف و عنایت کافی داشته اند، اعلام می دارم. بنابراین از کمک های بی دریغ و صبورانه استاد راهنمای ارجمندم جناب آقای مصطفی اوجی پور، نیز جناب آقای کاوه تیموری بعنوان استاد مشاور، با راهنمای های ارزنده و با سعه صدرشان، یاری رسانی سازنده و موثری در روند این پژوهش داشتند. همچنین استاد گرانمایه ودلسوز جناب آقای حسن حسین نژاد؛ بزرگترین مشوق بنده در امر تحصیلات عالی و بسیاری داشته های دانش و هنر خوشنویسی را مدیون زحمات بی دریغ ایشان می دانم. دست آخر جا دارد از دوستان ارجمندم جناب آقایان محمود کارگر و مرتضی تیموری و تمامی دوستانی که به نوعی در این امر بنده حقیر را یاری رسان بودند، کمال تشکر را بنمایم.

صفحه

مقدمه.....یک

فصل اول

.....۱ پیشینه خط نستعلیق
.....۲۴ ویژگی ها و شاخصه های زیبایی شناختی خط نستعلیق
نظری اجمالی برسبک های رایج در نستعلیق.....۳۳

فصل دوم

.....۴۶ عمادالکتاب؛ میراث دار و مروج سبک کلهر
.....۶۰ انجمن خوشنویسان ایران؛ تاثیرگذارترین کوشش در نستعلیق نویسی معاصر
.....۷۰ تحولات نوآورانه نستعلیق نویسی پس از ظهور انجمن خوشنویسان ایران
.....۸۳ شیوه امیرخانی؛ تحولی نو در نستعلیق نویسی معاصر
.....۹۴ جلی نویسی و قصارنویسی؛ رویکردی نوین در نستعلیق نویسی معاصر

فصل سوم

.....۱۰۲ سیاه مشق؛ منبع الهام هنرمندان معاصر در تحولات نوآورانه نستعلیق نویسی
آن بر نوآوری در خوشنویسی نستعلیق.....۱۱۱ ات مکتب سقاخانه و تأثیر
.....۱۲۳ مکتب نقاشیخط
.....۱۴۲ نستعلیق در آثار گرافیکی و فناوری های نوین
.....۱۴۹ نتیجه گیری

منابع

.....۱۵۲ الف- کتابهای فارسی
.....۱۵ هب- مقالات
.....۱۵۷ ج- بروشور، کاتالوگ و سایر

مقدمه:

خط خوشنویسی در ایام گذشته و جامعه سنتی مدام با تحولات و نوآوری ها همراه بوده است. عامل اصلی و مهم این تحولات، نیاز جامعه و ضرورت اجتماعی همراه با ترکیبی از زیبایی بصری بوده که به دلیل نیازهای عامه به طور مستمر و روزمره به خط و خوشنویسی از زمان پیدایش تا کنون، توانسته وظیفه انتقال دانش و اطلاعات را بر عهده بگیرد. بنابراین در درجه اول انگیزه های کارکردی عامل مهم در تحولات خط و خوشنویسی محسوب می شود، که روند این تحولات را می توان در جهت دستیابی به آسانی، سرعت و سهولت نگارش و خوانایی و در نهایت رسیدن به زیبایی بصری از سوی هنرمندان و دست اندرکاران این عرصه دانست.

در بین انواع خط و خوشنویسی که از ابتدای ظهور اسلام تاکنون بوجود آمده اند، خط نستعلیق بعنوان دومین خط خاص ایرانیان و نیز بارزترین نماد ملی و هویت ایرانی، با تاریخ ششصد ساله خود - از نیمه دوم قرن هشتم هجری قمری تا کنون - بارها شاهد تغییر و تحولات نوآورانه بوده است. این تغییر و تحولات در طول مدت مذکور به دست خوشنویسان دوره های مختلف بوجود آمده است. نستعلیق که به زعم عموم صاحب نظران و کارشناسان زیباترین نوع خوشنویسی محسوب می شود - تا بدانجا که به عنوان «عروس خطوط اسلامی» لقب گرفته است - با وضع قواعد و سامان بخشیدن به این خط توسط میرعلی تبریزی (متوفی ۸۸۵ق) شکل مستقلی به خود گرفت. پس از او پالایش و اصلاح آن به دست

هنرمندان بزرگی چون؛ سلطانعلی مشهدی (متوفی ۹۲۶ق)، میر علی هروی (متوفی ۹۵۱ق)، باباشاه اصفهانی (متوفی ۹۹۶ق) در زمان تیموریان و اوایل دوره صفوی، و همچنین تکامل آن از سوی میرعمادالحسنی سیفی قزوینی (۱۰۲۴-۹۶۱ق) -مشهورترین خوشنویس نستعلیق تاکنون- صورت گرفت. و در نهایت تلاش در جهت هرچه زیباتر ساختن فرم و شکل خط نستعلیق توسط خوشنویسان نامدار دوران قاجار همچون؛ میرزا محمدرضا کلهر (۱۳۱۰-۱۲۴۵ق)، میرزاغلامرضا اصفهانی (۱۳۰۴-۱۲۴۶ق)، میرحسین ترک و بسیاری دیگر، از عمده ترین این تحولات اند که بیشتر درحوزه سنتی و کلاسیک و در پایبندی و ارج و احترام به کوشش های هنرمندان گذشته این خط انجام گرفته است.

از تحولات مهمی که پس از تکامل و به اوج رسیدن خط نستعلیق توسط میرعمادالحسنی اتفاق افتاد، تغییراتی بود که از سوی میرزا محمدرضا کلهر، در دوره قاجار صورت گرفت. او با توجه به ورود صنعت چاپ در این دوره به ایران، تغییراتی را در شاکله و ساختار هندسی خط نستعلیق بوجود آورد. وی از این طریق ازسویی میان خوشنویسی سنتی و کلاسیک، با فناوری و صنعت زمان خودصلح و آشتی برقرار نمود، و از سویی این اقدام او گام بلندی شد که بتواند صاحب سبک و سیاقی بشود که امروزه و در عصر حاضر خوشنویسان از این سبک پیروی کنند، تا جایی که خط کلهر تبدیل به سبک غالب در زمانه ما گشته است.

همچنین از گام های نوین دیگر در زمینه تحولات نستعلیق نویسی در حوزه سنتی توسط میرزا غلامرضا اصفهانی شکل گرفت. میرزا سرآمد سیاه مشق نویسان دوره قاجار، در ردیف خوشنویسان نوگرا و پیشتاز قرار دارد که توانست قالب سیاه مشق را اهمیت و ارزشی دوچندان با معیارهای هنری و زیبایی شناسختی بسزایی، بخشد. تا اینکه هم اکنون سیاه مشق

عنوان هنری ترین قالب خوشنویسی نستعلیق را از سوی خط شناسان و صاحب‌نظران به ارمغان آورده است.

نستعلیق نویسی در دوره معاصر نمی تواند خالی از هرگونه تغییر و تحولی دنبال شود؛ چرا که دوره معاصر دوره ای است که مدام شاهد تحولات گسترده و نوینی در عرصه های مختلف؛ اجتماعی، فرهنگی، هنری، سیاسی، اقتصادی، فناوری و ارتباطات و بسیاری زمینه های دیگر هست. لذا باید دید که در نستعلیق نویسی معاصر چه تحولات نوینی رخ داده است. آیا در ساختار و شاکله و قواعد خط نستعلیق معاصر نسبت به دوره های پیشین تغییراتی رخ داده است؟ نستعلیق نویسی معاصر در تقابل و تعامل با تحولات اجتماعی، فرهنگی، هنری، فناوری های نوین و... چه تاثیراتی را پذیرفته یا گذارده است؟ آیا در بکارگیری مواد و مصالح، تکنیک ها و شیوه های اجرایی و قالبهای مرسوم خط نستعلیق و همچنین در ابعاد و اندازه آثار این خط تحولات نوآورانه ای بوجود آمده است؟ آیا میتوان به سبک و یا شیوه ای جدید در نستعلیق نویسی معاصر قایل شد؟ چه کسانی مهمترین نقش را در پیشبرد این تحولات داشته اند؟ لذا یافتن پاسخ به این چنین سوالاتی هدف نهایی این نوشتار خواهد بود.

بنابراین تحولات نوآورانه در نستعلیق نویسی معاصر را در دو حوزه سنتی و نوین باید جستجو کرد. حوزه سنتی، که تغییرات و تحولات در ادامه و راستای احترام به میراث گذشتگان، همچون؛ حفظ قواعد، ساختار و شاکله حروف و کلمات و تکمیل و زیباتر ساختن آن می باشد، که به طور عمده این اقدامات با تکنیکها و مواد و ابزارهای سنتی صورت می گیرد. همچنین تحولات در حوزه نوین نستعلیق نویسی را باید با رویکردها و در زمینه هایی از جمله؛ بکارگیری مواد، ابزار و تکنیکهای جدید و متنوع هنری، ترکیب بندیهای تازه و بدیع

وخلّاقِ آثار، و سنت شکنی ها در فرم و ساختار نستعلیق نویسی و همچنین تقابل و تعاملِ
نستعلیق با تحولات جامعه دنبال کرد. در نگارش نوشتار حاضر سعی نموده ایم در دو حوزه
مذکور به بیان تحولات نوآورانه نستعلیق نویسی در دوره معاصر، همراه با اشاره ای به پیش
زمینه های بوجود آورنده این تحولات در لابه لای مطالب مان، پردازیم.

فصل اول

- پیشینه خط نستعلیق
- ویژگی ها و شاخصه ها ی زیبایي شناختي خط نستعلیق
- نظري اجمالي برسبك هاي رایج در نستعلیق

پیشینه خط نستعلیق

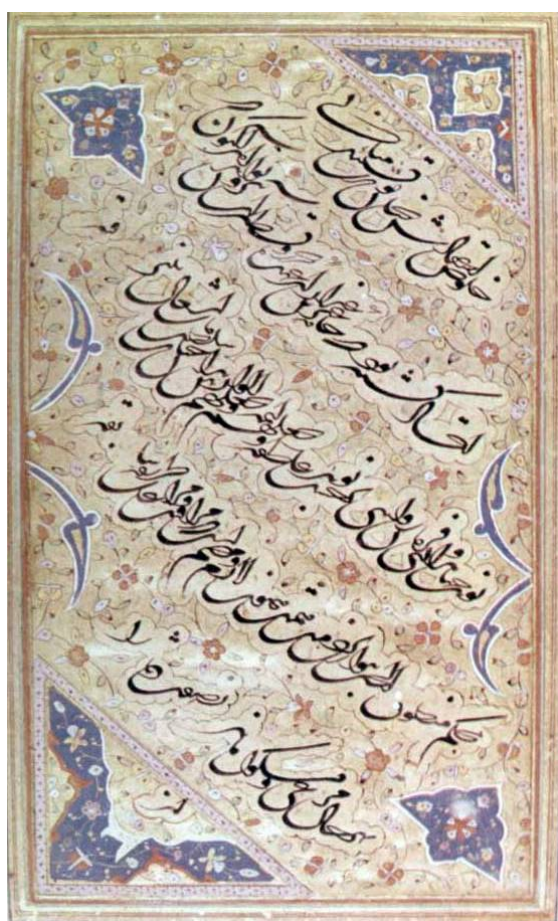
«دوره تیموریان (۹۱۱-۷۷۱ ه.ق)، که دوران شوم چنگیز و جانشینان او را پشت سر گذاشت، یکی از ادوار درخشنده رواج خوشنویسی و رونق و اعزاز هنرمندان بود. امیر تیمور خود توجه و علاقه خاص به هنر زیبا نویسی داشت و خوشنویسان در دربار او بسیار عزیز و گرانقدر می‌زیستند. توجه فوق‌العاده امیر تیمور به هنر خوشنویسی موجب شد که فرزندان او به خصوص شاهرخ بهادر خان به این هنر دلبستگی پیدا کنند.» (فضایلی، ۱۳۶۲، ۳۲۳)

سلاطین تیموری به ویژه بایسنقر میرزا فرزند شاهرخ، با جمع‌آوری برجسته‌ترین استادان و هنرمندان زمان خود از سراسر ایران در دربار خویش، موجبات رشد هنرهای کثیری چون: خوشنویسی، معماری، نگارگری، کتاب‌آرایی و ... را فراهم آوردند.

در همین راستا نهضت خط فارسی از دوره شاهرخ روند سریعتری به خود گرفت و در این دوران مهمترین پدیده خوشنویسی یعنی ظهور و پیدایش خط «نستعلیق» در نیمه دوم قرن هشتم هجری، به عنوان دومین خط خاص ایرانیان پس از «تعلیق»، به وقوع پیوست.

مرحوم دکتر بیانی، دربارهٔ پیدایش اقلام ایرانی چنین آورده است:

«به طور متناوب سه خط دیگر در میان خطوط اسلامی جلوه‌گر شد که باید آنها را خطوط خاص ایرانی دانست. زیرا که اگر چه الفبای این خطوط همان الفبای مأخوذ عربی است، ولی شکل و ترکیب آنها با سایر خطوط اسلامی متفاوت است. حتی ترکیب و گردش حروف در آنها شباهت به خطوط باستانی ایرانی یعنی پهلوی و اوستایی دارد. این سه خط که به نام تعلیق، نستعلیق و شکسته نستعلیق شناخته شده است، به تناوب در ظرف مدت سه قرن وضع شد و ایرانیان با سلیقه مخصوص خود در اندک زمان شیوایی آن خطوط را به درجه کمال رسانیدند و با این که سایر خطاطان ممالک اسلامی مانند هندوستان و عثمانی و حتی مصر از این خطوط تقلید کردند، مع الوصف هیچ‌گاه به پایه و مایهٔ ایرانیان در آن خطوط نرسیدند.» (به نقل از فضائی، همان، ۴۰۴)



تصویر ۱: خواجه اختیار منشی، خط تعلیق، نخستین خط

ایرانی. منبع تصویری: (مرقع رنگین، ۱۳۷۸، ۱۱۱)

خط تعلیق به عنوان نخستین خط ایرانی در قرن هفتم هجری رشد و نمو یافت و در قرن هشتم متداول گشته و در ایران تا سه قرن بعد، یعنی تا قرن یازدهم رواج و توسعه داشت. از این خط در ممالک عربی خبر و اثری نبوده و آن خطی خاص برای ایرانیان بود. (تصویر ۱)

«خط تعلیق اساس و مقدمه‌ای برای پیدایش خط زیبا و ممتاز نستعلیق و خط شکسته نستعلیق گردید.» (همان، ۴۱۹) «ذوق و سلیقه شیرینکار ایرانی، پیچیدگی و بی‌نظمی و دوایر ناقص خط تعلیق را نپسندید و آن را با خط نسخ که خطی منظم و معتدل و زیباتر بود، سنجیده و خط سومی که نه کند نویسی نسخ و نه نواقص تعلیق را داشته باشد، به وجود آورد. خطی که دور از افراط و تفریط، با نظم و متانت و دوایر ظریف و دلچسب بود.» (همان، ۴۴۴) (تصویر ۲)



تصویر ۲: زین العابدین اصفهانی، خط نسخ. منبع تصویری: (پیشین، ۱۱۹)

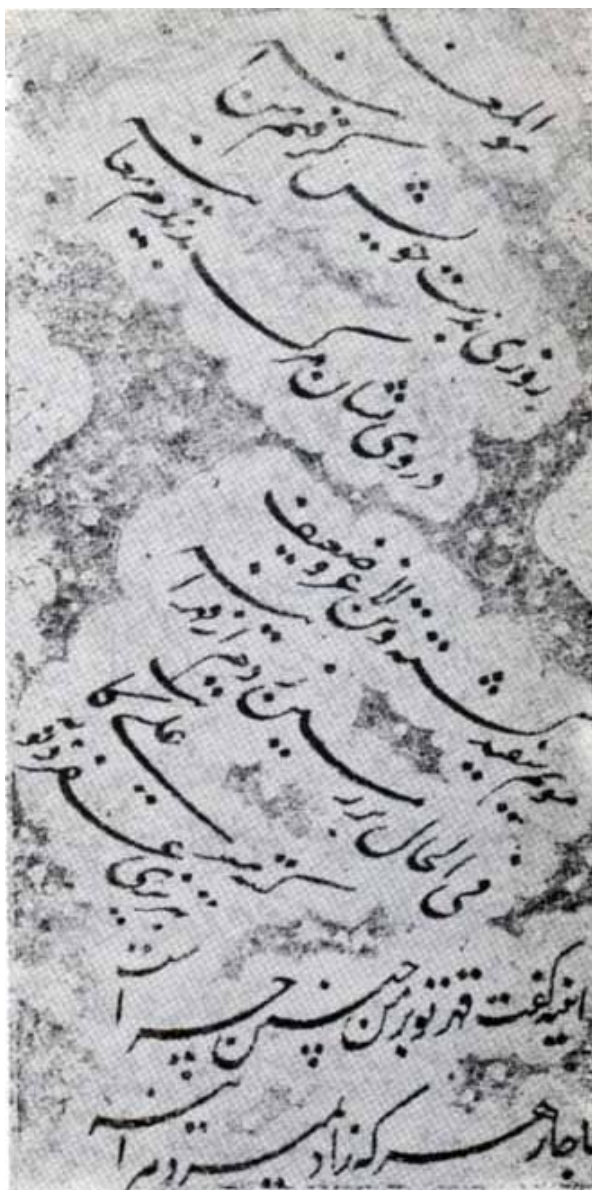
«از ابتدای قرن هشتم، مخصوصاً در نیمهٔ این قرن، قلم کتابت نسخ بتدریج به واسطهٔ سرعت قلم کم کم متمایل به شیوهٔ تعلیق شده و از آن پس به نستعلیق نزدیک گردیده است و کتاب‌هایی دیده شده که در حدود سال ۷۵۰ هجری نوشته شده و از میان اقلام متداول به خط نستعلیق نزدیک تر و شبیه تر است و در واقع نستعلیق تحریری یا ناقصی می‌باشد. و نسخه دیوان سلطان احمد جلایر در کتابخانه ایاصوفیه به خط «صالح بن علی رازی» نستعلیق کاملی است و تاریخ (۸۰۰) هجری دارد.» (همان)

بنابراین همچنان که از نام این خط نیز پیداست، نستعلیق خطی است از ترکیب دو خط نسخ و تعلیق، که در ابتدا آن را «نسخ و تعلیق» یا «نسخ تعلیق» می‌گفتند، و بعدها شکل مخفف و کوتاه آن یعنی «نستعلیق» شکل گرفت و به کار رفت.

در این دوره است که «میرعلی تبریزی» (متوفی ۸۵۰ ق) - معاصر تیمور گورکانی - توانست تلاش هنرمندان خوشنویس پیش از خود را با ترکیب دو خط نسخ و تعلیق در وجود قالبی جدید با نام «نستعلیق» تکمیل نماید و نقش اساسی و خطیری را در تکوین و قاعده‌مند ساختن این خط به نمایش بگذارد.

بر خلاف عقیده بسیاری از تذکره نویسان و خوشنویسان، از جمله سلطانعلی مشهدی (متوفی ۹۲۶ هـ ق)، که در رسالهٔ «صراط السطور» خود، میرعلی تبریزی را مبدع و واضع خط نستعلیق معرفی می‌کنند، چنین امری نمی‌تواند صحیح باشد؛ زیرا که نستعلیق نیز به همانند سایر خطوط پیش از خود حاصل تلاش جمعی خوشنویسان است و نمی‌تواند به یکباره و در یک زمان و به ارادهٔ شخص خاصی بوجود آید. بنابراین نسبت ابداع این خط به میرعلی تبریزی و واضع الاصل دانستن او نمی‌تواند صحیح باشد. اما به عقیدهٔ و نظر بسیاری دیگر او خط نستعلیق را شکلی امروزی بدان داده و مانند ابن

مقاله (متوفی ۳۲۸ ق) در خط نسخ و خواجه تاج سلمانی اصفهانی (متوفی ۸۹۷ ق) در خط تعلیق قواعدی را به وجود آورد. در واقع خط میرعلی تبریزی نستعلیقی خوش‌خوان و روان بود که بعد زیباشناختی در آن محسوس بود و نمونه‌های به‌جای مانده از او نمونه‌هایی از خط خوش نستعلیق به شمار می‌آیند. (تصویر ۳ و ۴)



تصویر ۳ و ۴: میر علی تبریزی؛ واضع قواعد خط نستعلیق. منبع تصویری: (فضائل، ۱۳۶۲، ۴۵۵)

میرزا جعفر تبریزی (متوفی ۸۸۵ ق) که از شاگردان میرعلی تبریزی و از استادان اولیه خط نستعلیق به شمار می‌آید، در رساله‌ای که منسوب به او برجای مانده است، در باب شکل‌گیری و پیدایش خط نستعلیق این چنین می‌آورد:

«باید دانست که نسخ تعلیق اصل او نسخ است، جماعتی از شیرازیان در آن تصرف کردند و کاف مسطح و ارسال اذیال^۱ سین و لام نون از او بیرون بردند و سین قوس و کثرت مدّات از خطوط دیگر درآوردند و غث^۲ و سیمین^۳ در او رعایت کردند و آن را خطی دیگر ساختند و نسخ و تعلیق نام کردند، مدتی بر آن گذشت، بعد از آن تبریزیان در آن طریق که شیرازیان وضع کرده بودند، تصرف کردند و آن را اندک اندک نازک می‌ساختند و اصول و قواعد آن وضع می‌کردند تا نوبت به خواجه امیرعلی التبریزی شکرالله سعیه رسید و او این خط را به کمال رسانید.» (به نقل از فضایی، ۱۳۷۰،

(۲۶۵)

حبیب الله فضایی رساله جعفر را از نظر نکاتی در مورد پیدایش خط نستعلیق، ارزنده و حائز اهمیت می‌داند و معتقد است: «جعفر بایسغری در مورد پیدایش این خط حقیقت واقع را روشن ساخته است که می‌فرماید: آغاز و شروع خط نستعلیق از شیرازیان بود و بعد تبریزیان دنبال آن را گرفته و

(۱) اذیال(آ)ج ذیل: ۱-دامن ها ، ۲-آخر چیزها ،دُم ها (معین ،۱۳۸۷، ۱۱۶) - در اینجا منظور پرهیز از رها کردنِ آخر حروف توسط قلم که منجر به نازکی و در نتیجه نامتناسب بودن آن با بقیه قسمت‌های حروف می‌باشد.

(۲) غث: ۱- لاغر ۲- سخن نادرست و سست. (همان، ۷۷۷) در اصطلاح خوشنویسان «شَمَره» منظور است که طی آن قسمت‌های آخر حروف نازک می‌گردد.

(۳) سیمین: خوب و ظریف (همان، ۶۷۵)

در آن کار کردند و خُرد خُرد آن را به جایی رسانیدند که تا به صورت خطی مستقل درآوردند و قابل آن شد که میرعلی تبریزی بر آن قواعدی وضع کند». (همان)

میرزا جعفر تبریزی که به سبب حمایت و تشویق شاهزاده هنر پرور، بایسنغر میرزا فرزند شاهرخ، به بایسنگری مشهور گشته، ریاست و سرپرستی کتابخانه و کارگاه هنری دربار را به همراه چهل تن خوشنویس و سایر هنرمندان، برعهده داشت. وی شاهنامه فردوسی، معروف به شاهنامه بایسنگری را که تاریخ ۸۳۳ هجری را دارد، به خط نستعلیق نگاشته است، و هم‌اکنون در کتابخانه کاخ گلستان در تهران نگهداری و محافظت می‌شود که در آن هنرهای کتاب‌آرایی به بهترین وجه ممکن رعایت شده است.

در نیمه اول قرن نهم هجری شاگردان میرعلی تبریزی چون عبیدالله پسرش و اظهر تبریزی و میرزا جعفر بایسنگری و دیگر علاقمندان به خط نستعلیق، در توسعه و ترویج این خط تلاش فراوانی نمودند و با کوشش آنها در اندک زمانی نستعلیق مورد استقبال و قبول همگان واقع گردید و اغلب کتابها به این خط نوشته شد.

«نیمه اول دوران کشورداری شاهان صفوی از ادوار برجسته هنرهای زیبا از جمله خوشنویسی است در این دوران علاوه بر این که در خطوط شش‌گانه سابق^۴، استادان زبردستی چون، علاالدین و عبدالباقی و علیرضا تبریزی پیدا شدند، خط نستعلیق هم به کمال خود رسید. این خط از آغاز رواج خود از دست استادی به استاد دیگر، زیبایی و طراوت تازه‌ای می‌گرفت، تا این که به دست سلطانعلی مشهدی تقویت شد و حرکت یافت و به دست میرعلی هروی (متوفی ۹۵۱)، مالک دیلمی (متوفی

^۴ یا اقلام سته که عبارتند از؛ محقق، ثلث، ریحان، نسخ، توقیع، رقاع.

۹۶۹ق)، باباشاه اصفهانی (متوفی ۹۹۶ ق) و محمد حسین تبریزی (متوفی ۹۸۵ ق) نضج پیدا کرد و با قلم

توانای میرعماد به حد اعلای کمال نائل گردید.» (فضائل، ۱۳۶۲، ۴۵۰) (تصویر ۶ و ۵)



تصویر ۶: میر علی هروی، چلیپا. منبع تصویری: (پیشین، ۵۴)



تصویر ۵: سلطانعلی مشهدی، چلیپا، اندازه ۱۹×۹.

منبع تصویری: (مرقع رنگین، ۱۳۷۸، ۲)

«به اتفاق خط شناسان و خوشنویسان از آغاز پیدایش خط نستعلیق تا مدت یک قرن ونیم، مطرح‌ترین نام عرصه خوشنویسی این خط، میرعلی هروی بود و عنوان میر مطلق در این مدت به او اطلاق می‌شد و کمال خط نستعلیق به این عنوان ملازمه داشت، تا در نیمه دوم قرن دهم در زمان حیات باباشاه اصفهانی، خوشنویس دیگری ظهور کرد که با آمدن وی فصل درخشانی در تاریخ خوشنویسی نستعلیق باز شد، و جمله آثار گذشتگان حتی میرعلی هروی را تحت شعاع قرار داد، او میرعماد بود که از میان هنروران خوشنویس نستعلیق که در مدت شش قرن خود هنرنمایی

کردند و آثاری از خود به یادگار گذاشتند و گذشتند، سرآمد همه گردید. و حدّ این خط را به

سرحد اعجاز رسانید.» (همان، ۵۲۲)

«میرعماد حسنی سیفی قزوینی (۹۶۱ - ۱۰۲۴ق)، از سلسله سادات حسینی قزوینی، استاد

چیره دست نستعلیق، شهره آفاق و معروف اقطار است. او در تطبیق حروف واحد و هماهنگی میان

آن‌ها سعی و ذوق و نبوغ بسیار به کار برد و به خصوص در ده سال آخر عمر خود شیوه مستقلی

اختیار کرد که بعد آن همه خوشنویسان از او پیروی کردند. وی در لطافت قلم و قدرت کتابت،

خط را از خفی تا چهاردانگ فوق العاده عالی و شیوا می نوشت.» (امیرخانی، ۱۳۷۵، سه)

میرعماد در نوشتن قالب چلیپا، به عنوان یکی از قالب‌های اصلی و دیرینه نستعلیق، تبحر

زیادی را به خرج داد و از این نظر رقیب نداشته و ندارد. چنانکه بسیاری از خوشنویسان به این

امر اذعان دارند: که میرعماد قالب چلیپا را از نظر زیبایی و عیار هنری تمام کرده، و تا کنون آثار

سایرین در این زمینه حتی یارای برابری با او را ندارد و به طور عمده آنها به تقلید آثار او

پرداخته‌اند. ترکیب بندی‌های دقیق، بجا، متناسب و حساب شده با رعایت سواد و بیاض، خلوت و

جلوت و در نهایت حسن تشکیل و حسن وضع و نیز تنوع، از ویژگی‌ها و اصول زیبایی شناختی و

مبانی اصیل اینگونه آثار او به شمار می آید. (تصویر ۷)

میرعماد در قالب سیاه‌مشق نیز به عنوان قالبی نو در هنرنامهی نستعلیق نویسی، دستی توانا و

دیدنی خلاق و نومایه داشت و هم اوست که سیاه‌مشق را به عنوان یک قالب هنری مستقل در این

خط انتخاب نمود و امضایش را در پای آثارش در تأیید این عمل آورد، که پیش از او چنین امری

سابقه نداشته است. (تصویر ۸)